

مدرسه اتحاد ایرانیان در بادکوبه

نظام‌علی دهنوی
دستیار علمی دانشگاه پیام نور

چکیده

در طی حاکمیت مظفرالدین شاه، تحولات فرهنگی عمده‌ای در ایران رخ داد که یکی از آنها تأسیس مدرسه به سبک نوین بود. در خارج از مرزهای ایران نیز، به تبع تحولات داخلی، مدرسی به سبک جدید بنیاد نهاده شد. یکی از این مدارس، مدرسه اتحاد ایرانیان در شهر بادکوبه بود. مؤسسان و کاربه‌دستان این مدرسه، جمعی از کنسولها و کارگزاران دستگاه دیپلماسی وقت ایران و نیز افراد ترقیخواه ایرانی در بادکوبه بودند. سرانجام پس از رایزنیهای گسترده، در سال ۱۳۲۴ق. مجوز فعالیت مدرسه اتحاد از سوی ریاست علوم قفقاز صادر شد و این مدرسه، فعالیت خود را شروع کرد. این مدرسه از همان ابتدای تأسیس تا تعطیلی آن، با کمبود و مشکلات مالی مواجه بود. در طی انقلابات منطقه قفقاز، پس از فروپاشی حاکمیت تزارها، این مشکلات تشدید شد. در دوران حکومت جمهوری آذربایجان، مدرسه اتحاد ابتدا

به عنوان مرکز قوای انگلیس به اشغال این نیروها درآمد و سپس آن حکومت از واگذاری عمارت مدرسه به ایرانیان خودداری کرد و این مؤسسه فرهنگی را تحت نظارت خود داشت. با تسلط دولت بلشویکی بر آذربایجان اگرچه در پی رایزنیهای فراوان اداره مدرسه اتحاد به ایرانیان واگذار شد، اما آن دولت فعالیت مدرسی همچون اتحاد را در خاک خود تلاشی در راستای ترویج افکار غیرانقلابی تلقی می‌کرد. سرانجام مدرسه یاد شده به علت فشار دولت بلشویکی و نیز عدم استقبال گسترده ایرانیان مقیم بادکوبه از تحصیل در آن، تعطیل گردید.

مقدمه

روند تأسیس مدارس به سبک نوین در ایران، طی حاکمیت مظفرالدین شاه شتاب فزاینده‌ای یافت. یکی از ویژگیهای این دوره، گسترش چشمگیر احداث مدارس خیریه به سبک

جدید توسط تجار، شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی است. تعدادی از کنسولها و کارگزاران دستگاه دیپلماسی ایران در کشورهای بیگانه نیز با کسب مجوز از کاربه‌دستان کشور محل مأموریت خویش و با همکاری تجار و بازرگانان و اتباع مهاجر مقیم آن محل، اقدام به تأسیس مدارس به سبک نوین کردند.

بادکوبه به عنوان یکی از مراکز صنعتی منطقه قفقاز، از هنگام حفر اولین چاه نفت در سال ۱۸۷۱م. پیشرفت چشمگیری یافت. چنانکه در آستانه سده بیستم میلادی، ۵۰ درصد از نفت استخراجی جهان، در بادکوبه تولید می‌شد. از این رو، جمع کثیری از ایرانیان بخصوص اقشار فقیر و تهیدست، جهت یافتن اندک اندوخته‌ای، راهی دیار بادکوبه شدند. غیر از کارگران، جمعی از ایرانیان مقیم آن سامان راه، تجار و بازرگانان تشکیل می‌دادند. آنان به اتفاق کارگزاران دستگاه دیپلماسی ایران در مسکو و بادکوبه، اقدام به تشکیل انجمن خیریه و تأسیس مدرسه اتحاد کردند.

این مقاله درصدد است به این پرسشها پاسخ دهد که چه دلایل و عواملی باعث تأسیس مدرسه اتحاد شد؟ و روند فعالیت مدرسه مذکور از ابتدای تأسیس تا ظهور سلسله پهلوی، چگونه است؟ فرضیه این مقاله، آن است که تحولات فرهنگی درون ایران پس از به تخت نشستن مظفرالدین شاه و انقلاب مشروطیت و نیز شرایط فرهنگی حاکم بر منطقه قفقاز، باعث شد که جمعی از ایرانیان مقیم بادکوبه به اتفاق کارگزاران دستگاه دیپلماسی ایران، به تأسیس این مؤسسه فرهنگی اقدام نمایند.

چنانکه پیش‌تر اشاره شد، این مقاله به بررسی روند فعالیت مدرسه از ابتدای تأسیس تا ظهور سلسله پهلوی می‌پردازد و به تحولات پرفراز و نشیب آن در عصر رضاشاه و چگونگی تعطیلی این مدرسه اشاره‌ای ندارد.

مدرسه اتحاد از تأسیس تا اشغال آن توسط انگلیسها

پس از اقدامات مشیرالملک، سفیر ایران در پترزبورگ

در جلب رضایت مقامات روسیه درباب تأسیس انجمن و مدارس توسط ایرانیها در خاک آن کشور(۱)، میرزا ابوالحسن خان معاضدالسلطنه، کنسول وقت ایران در بادکوبه در جلساتی چند، تجار و کسبه ایرانی مقیم بادکوبه را به کنسولگری دعوت کرد و اهمیت ایجاد مدرسه‌ای را برای تحصیل اطفال ایرانی برپایه علوم و فنون پیشرفته آن روزگار یادآور شد و از آنان خواست که با تخصیص مبالغی به عنوان اعانه، مدرسه‌ای برای تحصیل اطفال ایرانی در آن شهر تأسیس کنند.(۲)

سرانجام جمعی از تجار و بازرگانان ایرانی مقیم بادکوبه نیز در راستای تشکیل انجمن و تأسیس مدرسه، دست به اقدام زدند(۳). آنان در سال ۱۳۲۴ق. در عریضه‌ای به مشیرالملک، از وی خواستند گامهایی درباب تشکیل انجمن خیریه و تأسیس مدرسه در بادکوبه بردارد. تجار مذکور، پیشرفت امور تجارت را در دول متمدن مدیون پیشرفت و گسترش مدارس و در نتیجه رشد و شکوفایی علم و دانش در میان اقشار مختلف آن ملل می‌دانستند. از نظر این گروه، پیشرفت و توسعه امور تجاری در میان اتباع ایرانی، به تعلیم و آموزش اطفال آنان بستگی داشت؛ زیرا فرزندان اتباع ایرانی با فراگیری علوم عصر خویش، بخصوص دانش تجارت می‌توانستند از مناسبات تجاری روزگار خویش اطلاع یابند. آنان در عریضه خویش خاطرنشان ساختند که "ترقیات تمام مملکت و ملل، بسته به تجارت است که جزو کارهای بزرگ پلیتیکی دنیا شده، هر دولت و ملتی را که تجارت و علم آن نباشد، مانند قالب بی‌روح است. اوضاع این عهد و زمان مثل ایام گذشته نیست که هر کس به قوه فکر و تجربه خود بتواند تجارتی نموده و سودی ببرد. امروز بدون تحصیل علم، احدی را راه و طریقی به امور تجارت نبوده و نیست..."(۴). آنان یادآور شدند که به خاطر آنکه نسلهای آینده ایران همچون آنان به "درد جهالت ... مبتلا نباشند و ایام و آسایش ما را مدام به نفرین و لعنت یاد نمایند،(۵). از تأسیس مدرسه در بادکوبه برای تحصیل اطفال، اتباع ایران استقبال می‌کنند. در جلسه مقدماتی انجمن خیریه، اعضای مؤسس

انجمن، به این نتیجه رسیدند "... که مکتب را به قسمی ترتیب و تأسیس نمایند که از اولاد متمولین و فرزندان مردمان کاسب و فقیر، بهره و منفعت بردارند." آنان به توافق رسیدند که "از امساله صنف اول مکتب تأسیس و گشاده شود ... و در این صنف ابتدایی، پنجاه شاگرد که سی نفر غنی با اجرت [= پرداخت شهریه] و بیست نفر فقیر به طور مجانی [ثبت نام کنند]؛ به شاگردان مجانی پوشاک نیز داده شود و هر سال یک صنف مزید می نمایند تا رفته رفته به هفت صنف ابلاغ و یک دارالعلوم مکملی بنیاد شود." همچنین شهریه هر دانش آموز غیرمجانمی را ۶۰ منات در سال تعیین کردند (۶). در این جلسه، مبلغ ۱۵ هزار منات اعانه نیز جهت تأسیس مدرسه جمع گردید. میرزا ابوالحسن خان معاضدالسلطنه، چند مرتبه تجار و کسبه ایرانی مقیم بادکوبه و همچنین مؤسسان و اعضای انجمن خیریه ایرانیان بادکوبه را به عمارت کنسولگری دعوت کرد. در نتیجه این جلسات، تجار متقاعد شدند که از واردات و صادرات مال التجاره خویش، وجوهی تحت عنوان اعانه برای تأمین مخارج مدرسه اختصاص دهند (۷). چون اعانه های مذکور ثابت و معین نبود، گروهی از اتباع ایرانی - که اغلب از تجار بودند - در عریضه ای به مشیرالملک، سفیر ایران در پترزبورگ، از وی خواستند از بابت صدور تذکره عبور جهت اتباع ایرانی توسط کنسولگری ایران در بادکوبه، مبلغی به عنوان اعانه برای تأمین مخارج مدرسه دریافت گردد. آنان معتقد بودند که از تجار و زوار مبلغ یک منات، از کسبه نیم منات و از کارگران یک عباسی بدین منظور دریافت شود (۸) تا بدین طریق بتوان مدرسه را افتتاح و برقرار نگه داشت.

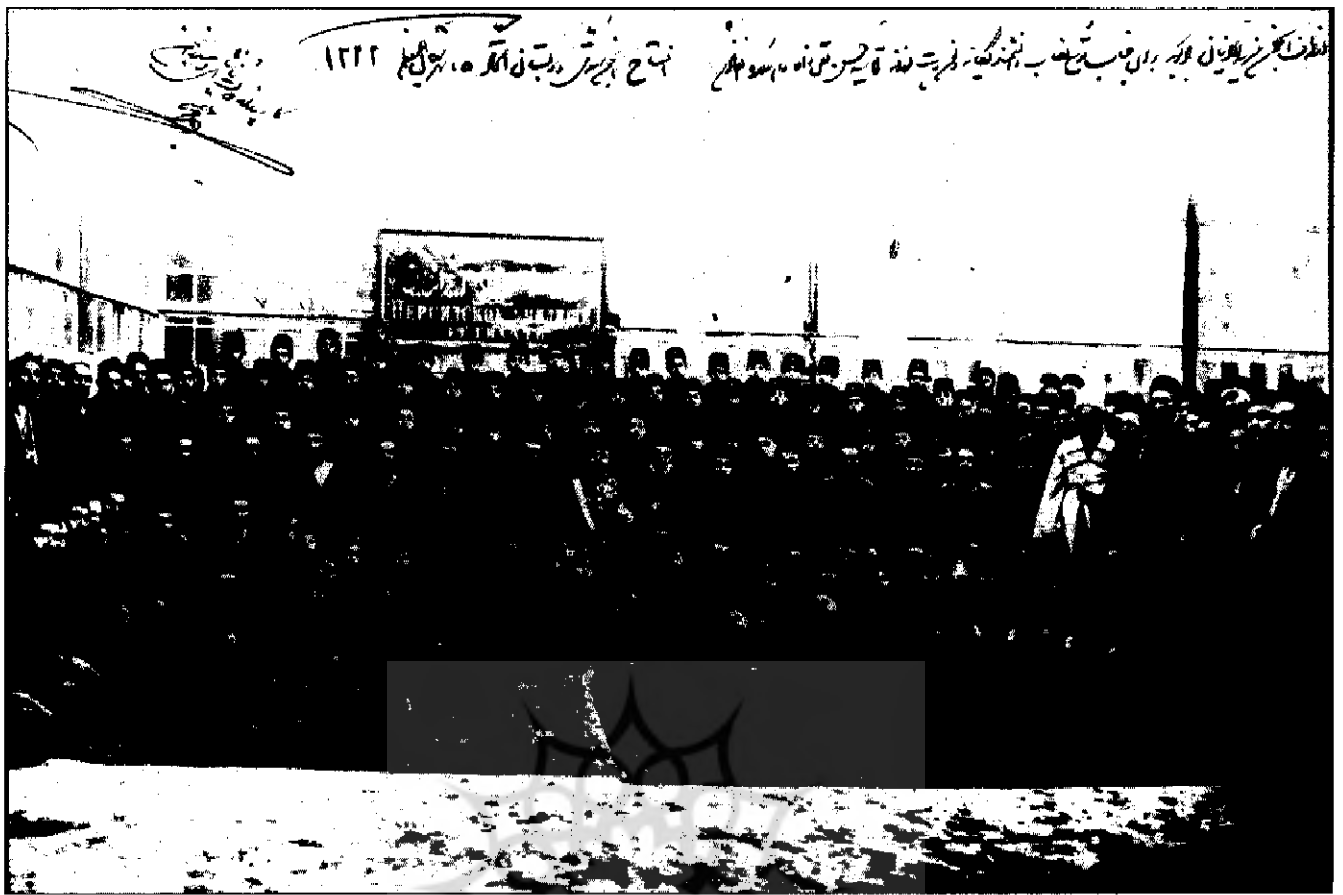
معاضدالسلطنه پیش از افتتاح مدرسه از میرزا حسین خان کمال، مدیر مدرسه و روزنامه کمال در تبریز - که در آن زمان در مصر به سر می برد - برای ساماندهی و مدیریت مدرسه بادکوبه دعوت به عمل آورد. وی نیز به این درخواست پاسخ مثبت داد (۹). میرزا حسین پس از ورود به بادکوبه، نظامنامه مدرسه اتحاد را در ۵۳ فصل تنظیم (۱۰) و زمینه را برای افتتاح مدرسه در پائیز ۱۳۲۴ ق. تا حدودی هموار

کرد. با به ثمر نشستن این تلاشها، معاضدالسلطنه سرانجام در ملاقاتی با رئیس علوم قفقاز، آمادگی کار به دستان کنسولگری و اتباع ایرانی مقیم آن شهر را جهت تأسیس مدرسه در آن جا به اطلاع وی رسانید و او نیز با تشکیل مدرسه در پائیز ۱۳۲۴ ق. موافقت کرد (۱۱). وی در اقدامی دیگر، ساختمانی با مبلغ سالانه دو هزار منات برای تحصیل دانش آموزان ایرانی اجاره کرد (۱۲).

سرانجام در پی دریافت مجوز از ریاست علوم قفقاز، مدرسه اتحاد ایرانیان بادکوبه در روز ۱۵ شعبان ۱۳۲۴ با حضور اعیان، نمایندگان حکومت محلی، دانشمندان بادکوبه و تجار و کسبه ایرانی افتتاح گردید (۱۳).

در نظامنامه مدرسه اتحاد، در باب هدف از تأسیس آن چنین آمده است: "... اولاد وطن را از علوم و ادبیات وطنی و آداب مذهبی و ملتی، بعلاوه علوم و السنه عصر جدید و اساس ترقیات ملل و اخلاق حسنه به طریق احسن و اکمل و با اسلوب سهل و ساده جدید تعلیم و تربیت داده، حاضر به محبت وطن و خدمت و جانفشانی در راه آن خواهند نمود." طبق نظامنامه، مدرسه اتحاد تحت ریاست کنسول وقت ایران در بادکوبه و نظارت شورای انجمن خیریه ایرانیان اداره می شد (۱۴). اشخاصی که قصد ورود به کلاس اول مدرسه را داشتند، نایستی کم تر از ۸ و یا بیش تر از ۱۲ سال سن می داشتند. اگر تعداد دانش آموزان مدرسه کم بود، اطفال مسلمان منطقه قفقاز نیز در مدرسه اتحاد پذیرفته می شدند. هر سال تعداد ۲۰ نفر از اولاد اتباع فقیر ایرانی، می توانستند به طور مجانی مشغول به تحصیل شوند. تعداد ۴۰ نفر نیز بایستی سالیانه مبلغ ۶۰ منات در دو نوبت به صندوق مدرسه پرداخت می کردند. شاگردهای مجانی تا زمانی که مخارج ایام تحصیل خود را در مدرسه به طور کامل پرداخت نمی کردند، حق نداشتند تا پایان تحصیل و کسب مدرک دیپلم مدرسه را ترک نمایند.

در پروگرام مدرسه اتحاد، مدت تحصیل دانش آموزان هشت سال و مدرسه نیز دارای هشت کلاس بود. همچنین در این پروگرام، ذکر شده است اگر دانش آموزان در کلاس



شاگردان مدرسه ایرانیان بادکوبه در روز افتتاح انجمن مقدس و دبستان اتحاد

به هر روی، کمبود معلم در سالهای اولیه تأسیس مدرسه، یکی از مشکلات عمده دست اندرکاران این مؤسسه فرهنگی بود. به همین منظور میرزا علی محمد، کنسول وقت ایران در بادکوبه، طی تلگرافی به وزارت امور خارجه در اواخر سال ۱۳۲۵ق، از مقامات آن وزارتخانه خواست که تعدادی معلم جهت تدریس از تهران به بادکوبه اعزام کنند. وزارتخانه مذکور نیز این درخواست را به اطلاع مقامات وزارت معارف رساند. (۱۷)

از دیگر مشکلات مدرسه اتحاد، نبود منابع عایداتی مشخص و ثابت بود. به همین دلیل جمعی از تجار ایرانی در بادکوبه، در عریضه‌ای به مشیرالملک خواستار حل این مشکل شدند، اما اقدامی در این راستا صورت نگرفت. سرانجام در اوایل شوال ۱۳۲۵، جمعی از تجار و اعضای انجمن خیریه،

پنجم و یا ششم زبان فارس را بخوبی آموختند، در مقابل بر تعداد دروس زبان عربی آنها افزوده می‌شود. (۱۵)

پیش از افتتاح مدرسه اتحاد، مسئله تأمین کتب درسی و معلم کافی جهت تدریس، مورد توجه کارگزاران کنسولگری ایران در بادکوبه و اعضای انجمن خیریه قرار گرفت. به همین خاطر از میرزا حسین خان کمال برای احراز مقام مدیریت مدرسه دعوت به عمل آمد. کاربه‌دستان کنسولگری مذکور، علاقه مند بودند که معلم زبان عربی را از عتبات عالیات به بادکوبه فراخوانند و نیز درصدد بودند که بخشی از کتب درسی را از کشور مصر تأمین نمایند. همچنین برای تدریس زبانهای فرانسه و انگلیسی، از پاریس و لندن برای اعزام معلم به بادکوبه اقدام نمایند (۱۶). اما شواهد نشان می‌دهد که اقدامی در این زمینه‌ها صورت نگرفته است.

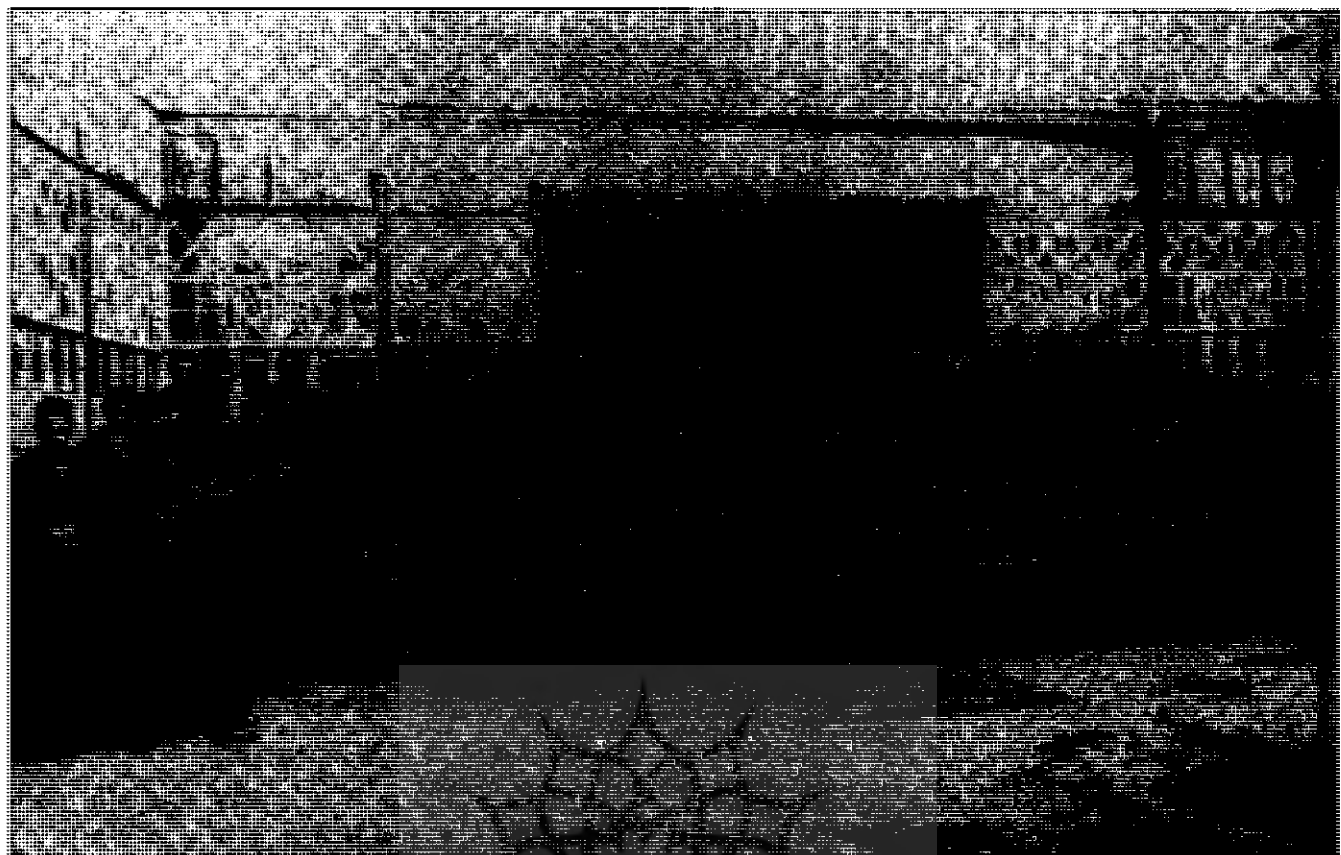
طی عریضه‌ای به وزارت امور خارجه، از مقامات آن وزارتخانه خواستند که جهت رفع این مشکل و مصارف مدرسه، کنسولگری ایران در بادکوبه از بابت صدور هر تذکره عبور برای تجار ایرانی مبلغ یک منات، زوار اتباع ایرانی نیم منات و کارگراها نیز یک عباسی اخذ نماید. آنان همچنین خاطر نشان ساختند که از واردات و صادرات مال التجارة اتباع ایرانی در بادکوبه، مبالغی برای تأمین مخارج مدرسه دریافت شود (۱۸). اما صدور چنین حکمی از سوی وزارت امور خارجه، بدون تصویب مجلس شورای ملی امری غیرقانونی بود. بنابراین وزارتخانه مذکور، سواد عریضه تجار و اعضای انجمن خیریه را در اواخر محرم ۱۳۲۶ به مجلس شورای ملی ارسال کرد (۱۹). مجلس نیز پس از بررسی لازم در کمیسیون خارجی، با اجرای آن موافقت کرد (۲۰). این اقدام کار به دستان وزارت امور خارجه و مجلس شورای ملی، گامی بنیادین در راستای تثبیت بنیه مالی مدرسه اتحاد به شمار می‌رود.

میرزا علی محمد کنسول ایران در بادکوبه، در ایام مأموریت خویش در آن شهر، به اقدامات وسیعی در زمینه تقویت و استحکام بنای مدرسه اتحاد و تأسیس مدارس دیگر در نقاط مختلف بادکوبه دست زد. اما دخالت یکی از اعضای کنسولگری بادکوبه در قتل یکی از اعضای حزب اجتماعیون عامیون در بادکوبه و حمایت فراوان کنسول در دفاع از قاتل، باعث شد که وی مورد خشم اعضای حزب اجتماعیون عامیون ایرانی در قفقاز قرار گیرد و به رویه استبداد منشانه و حمایت از مستبدان و طرفداران محمدعلی شاه مخلوع، متهم شود (۲۱). حزب مذکور در نامه‌های تهدیدآمیزی، از وی خواست که مقام ریاست کنسولگری را ایران در بادکوبه ترک نماید و به ایران رهسپار گردد. همچنین آنان در تلگرافی به میرزا حسن خان مشیرالدوله، وزیر امور خارجه وقت ایران، از وی خواستند ظرف یک ماه میرزا علی محمد را معزول و از بادکوبه فراخواند. در غیر این صورت احتمال آسیب به وجودشان امری ممکن بود (۲۲). در پی این تهدیدها، در ابتدای ربیع الاول ۱۳۲۶، میرزا علی محمد از بادکوبه به تهران احضار و به جای وی کریم نامی گماشته شد (۲۳). به

نظر می‌رسد تهدیدهای مکرر فرقه اجتماعیون عامیون ایران در قفقاز، نقشی مؤثر در ترک مسئولیت وی و احضارش به تهران داشته است.

با انتخاب محمد ساعدالوزاره به ریاست کنسولگری ایران در بادکوبه در ابتدای سال ۱۳۲۸ق.، میان اعضای انجمن خیریه و وی بر سر نحوه رسیدگی به امور مالی مدرسه، درگیری و خصومت شدیدی روی داد. کنسول مذکور، معتقد بود که تا ابتدای ورودش به بادکوبه، از سوی انجمن خیریه برنامه‌ای صحیح، مشخص و مدون جهت چگونگی مصرف وجوهات مدرسه اتحاد وجود نداشته است. به همین خاطر وی از ابتدای ورود به بادکوبه، با دعوت از تعدادی از ایرانیان مقیم آن سامان، اقدام به تدوین برنامه‌ای جدید برای تنظیم دخل و خرج مدرسه کرد. به نظر ساعدالوزاره، این اقدام وی باعث شد که "... چند نفری که پول انجمن و اختیار مدرسه در دست آنها [بود] ...، ملاحظه نمودند که هرگاه این ترتیب [جدید مدرسه] مرتب شود، دیگر به مقصود خود نخواهند رسید... از این رو، آنان از همان ابتدا موانع عمده‌ای در مقابل اقداماتش ایجاد کردند (۲۴). زیرا آنها معتقد بودند که ساعدالوزاره، دست انجمن را بکلی [از امور مالی مدرسه] کوتاه کرده، [قصد وی آن است که] خود راساً مداخله در وجوه مدرسه نماید." (۲۵)

دخالت مستقیم ساعدالوزاره در امور مالی مدرسه، آنچنان به تیرگی روابط وی با اعضای انجمن خیریه و مدیر مدرسه دامن زد که سرانجام کنسول ایران، مدیر مدرسه را در حضور اعضای انجمن به چوب بست (۲۶). این اقدام وی نیز نه تنها مشکل را حل نکرد، بلکه بر دامنه تنش، بیش از پیش افزود. تجار ایرانی که از قدرت و نفوذ مالی و معنوی فراوانی در میان اتباع ایرانی مقیم بادکوبه برخوردار بودند و انجمن خیریه را نیز در دست داشتند، طی عریضه‌ای به مقامات دولت ایران و با انتشار دعاوی خویش علیه کنسول مذکور در جراید داخل و خارج از ایران، موقعیت وی را در انظار ایرانیان و مقامات وزارت امور خارجه متزلزل کردند (۲۷). درگیری مدام میان ساعدالوزاره و اعضای انجمن خیریه و مدیر مدرسه،



جشن مدرسه ایرانیان بادکوبه، به مناسبت ورود وکلای دوره اول آذربایجان که از آن راه به تهران آمدند.

مدرسه اتحادیه و اسناد و مکاتبات کنسولگری ایران در بادکوبه، گویای آن است که اشخاصی چون داود خان نصرت الوزاره، در ایام تصدیش بر ریاست کنسولگری دست استفاده به عایدات مدرسه دراز نموده، به همین خاطر مالیه مدرسه رو به افول نهاد.

پس از عزل داود خان، میرزا جواد خان در سال ۱۳۳۵ق. به ریاست کنسولگری منصوب گردید. وی در ایام خدمتش در این منصب، به اتفاق کارگزاران کنسولگری آنچنان به اموال مدرسه تجاوز کرد که جنجالی از سوی اتباع ایرانی و هیئت شوراییه مدرسه علیه آنان روی داد. هیئت مذکور در نهایت از ژنرال کنسول ایران در تفلیس خواست، نسبت به اعزام دو نفر بازرس به منظور تحقیق و بررسی اوضاع مالی مدرسه اقدام کند (۲۸). ژنرال کنسول نیز در پاسخ به درخواست آنها وکیل الدوله رئیس مالیه کل قفقاز، و ساعدالوزاره معاون

باعث گردید که آنان از رسیدگی به امور روزمره مدرسه غفلت ورزند و این مسئله، ضربه ای سخت بر توان کمی و کیفی این مؤسسه فرهنگی نوین یاد ایجاد کرد.

در سالهای مابین انقلاب ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۷م، اغتشاش و انقلاب منطقه قفقاز را دربر گرفت. در پی این تحولات، بخشی از اموال ایرانیان بخصوص قشر تجار از بین رفت، وخامت اوضاع اقتصادی منطقه نیز بر افول توان مالی ایرانیان تأثیر چشمگیری داشت. با وجود چنین شرایطی، مخارج مدرسه با تخصیص وجوهاتی از سوی تجار ایرانی مقیم بادکوبه، مبالغی که از صدور تذکره عاید می شد و نیز شهریه ای که تعدادی از دانش آموزان پرداخت می کردند، تأمین می شد. مسئله قابل توجه در این سالها، بی کفایتی تعدادی از کنسولهای ایرانی در بادکوبه و تعدی آنان به اموال مدرسه اتحاد بود. گزارشها و عریضه های هیئت شوراییه

کنسول ایران در تفلیس را مأمور رسیدگی به شکایات آنها کرد. با حضور مأموران اعزامی از تفلیس و منتخبان هیئت شوراییه مدرسه اتحاد، دو جلسه خصوصی در بادکوبه جهت رسیدگی به اموال مدرسه منعقد گردید. نتایج جلسات مذکور، حکایت از آن داشت که مبلغ ۲۵ هزار منات از اموال مدرسه توسط میرزا جواد خان، کنسول ایران در بادکوبه و محمد خان فهیمی، معاون وی به یغما رفته بود. سرانجام مأموران اعزامی از تفلیس، به خاطر حفظ حرمت و حیثیت کنسولگری ایران در میان اتباع ایرانی و اهالی بادکوبه، از ادامه رسیدگی به نحوه حیف و میل شدن اموال مدرسه و طرق بازگردادن آن خودداری کردند. وکیل الدوله و ساعدالوزاره، پس از بیست روز توقف در بادکوبه به تفلیس مراجعت کردند. میرزا جواد خان نیز پس از گذشت ۹ ماه، از ریاست کنسولگری در بادکوبه استعفا داد (۲۹). به دنبال آن، محمد ساعدالوزاره به دستور وزارت امور خارجه، بار دیگر ریاست کنسولگری مذکور را به عهده گرفت.

با انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه، اعضای انجمن خیریه ایرانیان در بادکوبه و کاربه‌دستان مدرسه اتحاد با استفاده از فضای سیاسی و فرهنگی آن روزگار، درصدد گسترش زبان فارسی در میان اتباع ایرانی مقیم بادکوبه برآمدند. عبدالله عبدالله زاده، مدیر مدرسه اتحاد و دیگر همفکران او، در تلگرافی به وزارت معارف، با برشمردن شرایط و اوضاع حاکم بر منطقه، به منظور مقابله با تبلیغات وسیع عثمانیها در راستای گسترش فرهنگ خویش و توسعه زبان ترکی در میان اهالی منطقه و ایرانیان مقیم بادکوبه، از کارگزاران آن وزارتخانه خواست که تعدادی کتب فنی و علمی جهت تدریس در مدرسه اتحاد و مدارس منطقه قفقاز به بادکوبه ارسال کنند. وی معتقد بود که باید کتب فارسی درخواستی به چند زبان مهم و رایج در منطقه قفقاز ترجمه و در اختیار دانش آموزان قرار گیرد که این امر در جلب نظر مسلمانان قفقاز به فرهنگ ایرانی نقشی مهم و کارساز دارد (۳۰). عبدالله زاده از وزارت معارف خواست کتب ذیل را جهت ترجمه و تدریس در مدارس قفقاز به منطقه مذکور ارسال نمایند:

علم حساب، مسائل حساب، علم هندسه، مسائل

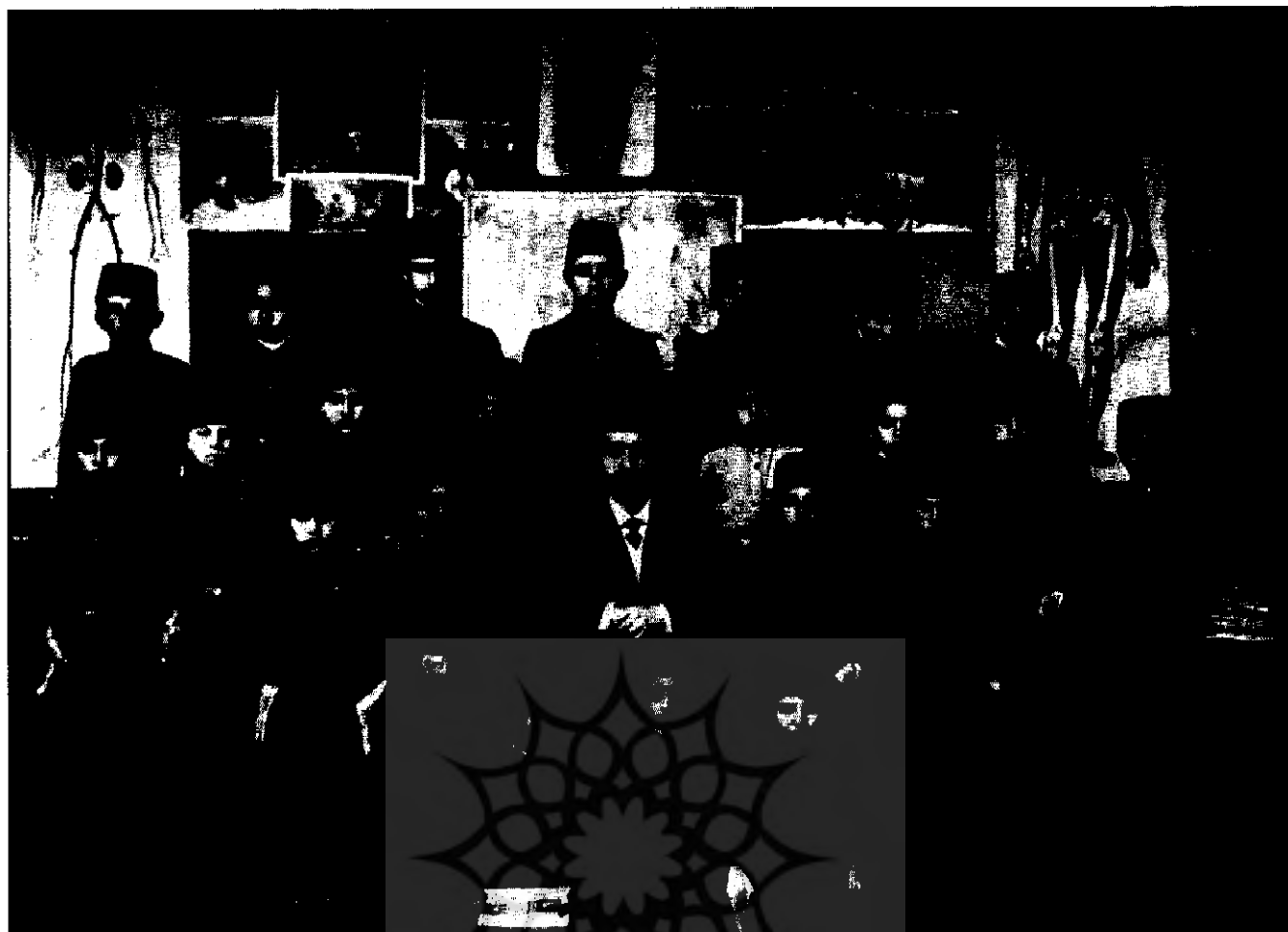
هندسه، جبر و مقابله، مسائل جبر و مقابله، مثلثات، مسائل مثلثات، تاریخ عمومی، منطق، بیان، علم روح، مبدأ فلسفه، صرف و نحو، قانون ادبیات، تاریخ ادبیات، جغرافیای طبیعی و سیاسی، ریاضی، حفظ الصحة، علم حیوانات و نباتات و جمادات، فیزیولوژی آناتومی، فیزیک، مقدمه علم حقوق، اصول تربیت، اصول تدریس، تاریخ، علم کیمیا، علم باغبانی و فلاحت، علم خاک، تاریخ فلسفه و تاریخ دین. (۳۱)

وزارت معارف نیز در تلگرافی به وزارت امور خارجه بیان نمود که با درخواست عبدالله زاده موافقت کرده و کتب موردنظر وی را به بادکوبه ارسال کرده است (۳۲). اما اسنادی در باب اقدام عبدالله زاده در زمینه گسترش زبان فارسی و ترجمه کتب موردنظر به زبانهای دیگر به دست نیامده است. با انتخاب مجدد محمد ساعدالوزاره به عنوان کنسول ایران در بادکوبه، وی به طور مداوم مشکلات و نارسایی های مدرسه را به کارگزاران وزارت امور خارجه اطلاع می داد و خواستار رفع آنها می شد. او در تلگرافهایی به وزارت امور خارجه، با اشاره به مشکلات آموزشی دانش آموزان و عدم تسلط معلمان مدرسه اتحاد به زبان و ادبیات فارسی، از کارگزاران آن وزارتخانه خواست، وزارت معارف را ترغیب کنند تا یک مدیر و دو معلم با معلومات لازمه از تهران به بادکوبه اعزام نمایند و نصف حقوق آنان نیز از سوی وزارت معارف پرداخت شود. همچنین وی از اولیای دولت ایران خواست که عمارتی جهت تحصیل دانش آموزان مدرسه اتحاد خریداری کنند و نصف وجه آن را دولت ایران و نصف دیگر را تجار ایرانی در بادکوبه متقبل شوند (۳۳). وزارت امور خارجه نیز درخواستهای ساعدالوزاره را به اطلاع وزارت معارف رساند و با دفاع از خواستهای کنسول مذکور، بر اهمیت فراوان مدرسه اتحاد برای منافع ایران و بخصوص دستگاه دیپلماسی تأکید کرد. (۳۴)

مدرسه اتحاد در عصر حکومت آذربایجان تا

خرداد ۱۳۰۴

با تشکیل جمهوری آذربایجان، عمارت مدرسه اتحاد



شاگردان مدرسه ایرانیان بادکوبه در دوره احمد شاه

نمود. (۳۶)

با وجود انعقاد این قرارداد میان دو کشور ایران و آذربایجان، مشکلات مدرسه اتحاد و ایرانیان مقیم آن محل، همچنان حل نشد. کنسولگری ایران در بادکوبه و اتباع ایرانی مقیم آذربایجان، در بیانیه‌ها و اعتراضهای مکرر خویش، به سختگیریهای حکومت نوبنیاد در حق ایرانیان و تصرف مدرسه اتحاد و... اعتراض کردند و کنسولگری مذکور به منظور رسیدن به اهدافش، به طور مداوم بر فشار و اعتراض خود می‌افزود (۳۷). دولت ایران و بخصوص مقامات وزارت امور خارجه، از اعمال فشار و اعتراضهای مکرر کنسولگری بادکوبه بر کارگزاران حکومت آذربایجان حمایت کردند و خواستار تداوم اعتراضاتشان شدند. وزارت امور خارجه در

توسط نیروهای انگلیسی تسخیر و به مرکز قشون آنها تبدیل شد. دولت مستعجل آذربایجان، اتباع ایرانی مقیم آن کشور را تحت فشار نهاد و آنان را به خدمت نظامی فراخواند و مشکلات فراوانی برای تجار ایرانی مقیم آن کشور ایجاد کرد (۳۵). دولت ایران به منظور حل مشکلات مذکور، در مذاکراتی با اسماعیل خان زیاد خان اف، سفیر آذربایجان در تهران، قراردادی با آن دولت امضا کرد که به موجب آن، مدرسه اتحاد از قشون نظامی خالی شده، اتباع ایرانی مقیم آن کشور از خدمت نظام اجباری معاف گردیدند. وزارت امور خارجه در تلگرافی به کنسول ایران در بادکوبه، با تشریح چارچوب قرارداد مذکور، خاطر کارگزاران کنسولگری و اتباع ایرانی مقیم آذربایجان را از مشکلات موجود آسوده

تلگرافی به بادکوبه، از محمد ساعدالوزاره خواست که اقدامات مجدانه خود را تعقیب و جدیت نماید که نتیجه مطلوب حاصل گردد. (۳۸)

همزمان با تلاش کنسولگری ایران در بادکوبه، کارگزاران وزارت امور خارجه نیز به طور مستمر دولت آذربایجان را زیر فشار قرار دادند تا عمارت مدرسه اتحاد را به ایرانیان تحویل دهند و از جلب اتباع ایران به خدمت نظامی و نیز توقیف اموال اتباع ایرانی و... دست بردارند. چنانکه نصرت الدوله وزیر امور خارجه وقت ایران در ملاقاتی با عادل خان زیاد خانوف، سفیر حکومت آذربایجان در ایران بر اجرای مفاد قرارداد منعقد شده فی مابین دو کشور تأکید کرد و مراتب اعتراض دولت متبوع خویش را به اطلاع وی رساند. عادل خان با تأکید بر مراتب دوستی دو کشور همسایه، علت اقدامات مأموران دولت آذربایجان را، جدیدالتأسیس بودن آن حکومت برشمرد و قول داد که مسائل و مشکلات مزبور کاهش یابد و در نهایت حل گردد. (۳۹)

سرانجام دولت ایران به منظور حل مشکلات میان دو کشور، هیئتی فوق العاده به سرپرستی سید ضیاءالدین طباطبایی رهسپار آذربایجان کرد. یکی از اهداف هیئت مذکور، گفتگو با مقامات آذربایجان درباب تخلیه مدرسه اتحاد بود. وثوق الدوله رئیس الوزرای وقت، در تلگرافی به سید ضیاءالدین، درباب مدرسه اتحاد بیان داشت که "... حتی المقدور در توسعه و نگاهداری آن از طرف دولت [ایران] کمک و مساعدت شود..." و از سید ضیاءالدین خواست که در مورد چگونگی و مقدار کمکهای دولت ایران به آن مدرسه، تحقیقات عمیقہ بنماید که در پی آن، دولت ایران به سرعت اقدام نماید. (۴۰)

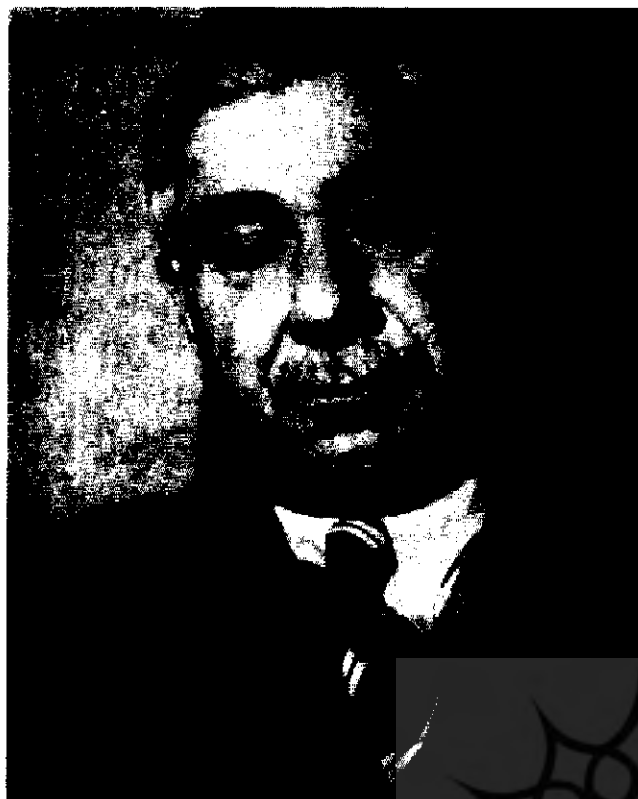
سید ضیاءالدین در پی اجرای دستور رئیس الوزرا و برحسب دعوت کاربه‌دستان پیشین مدرسه اتحاد، به مناسبت جشن عید مولود پیامبر (ص)، به اتفاق تمامی اعضای هیئت همراه خود و محمد ساعدالوزاره کنسول ایران در بادکوبه در مدرسه اتحاد حضور یافت. سید ضیاءالدین در ابتدای

ورود به مدرسه اتحاد، به نام هیئت قفقازیه مبلغ یکصد هزار منات اعانه به صندوق انجمن خیریه پرداخت کرد. وی در این مجلس جشن - که جمعی از تجار و اتباع معتبر ایران و ابوالحسن معاضدالسلطنه، قاسم قاسم اف رئیس انجمن خیریه و تعدادی از افراد سرشناس محلی نیز شرکت داشتند - طی نطقی اظهار داشت که "وثوق الدوله به مسئله معارف اهمیت داده و اصلاح وضعیات مدرسه اتحاد و توسعه معارف و اتخاذ وسایل لازمه را از مهم ترین وظایف اعزامیه مقرر کرده است. وی عنوان داشت که گرفتاریهای اولیای دولت در سنوات اخیر...، مجال عطف توجه به اوضاع خارجی و فراهم آوردن وسایل آسایش و رفاهیت اتباع خود نداده است." (۴۱)

سید ضیاءالدین در گزارشی به تهران، اوضاع مدرسه اتحاد را بسیار ناگوار توصیف کرد و عنوان نمود: "مدرسه مذکور... معلم ندارد، فارسی به طور ناقص تدریس می‌شود، مدیر مدرسه بتازگی در کلاس اکابر مشغول تحصیل فارسی ایران است. زبان فارسی به قدری غیرمعمول است که حتی بنده مجبور شدم در مدرسه اتحاد، نطق خود را به زبان ترکی بیان نمایم؛ زیرا اگر به فارسی ادا می‌کردم، شاید ده یک از حاضرین ملتفت نمی‌شدند..." وی تصمیم گرفت در پی بازدید دو روزه اش از مدرسه، کمیسیونی برای بررسی این مسئله تشکیل دهد. (۴۲)

مشکلات مالی ایران و خالی بودن خزانه مملکت به هنگام عزیمت هیئت قفقازیه، از جمله عوامل مهمی بود که مسئله تأمین بودجه مدرسه اتحاد را توسط دولت ایران امری غیرممکن می‌کرد. سید ضیاءالدین سرپرست هیئت، با آگاهی از این موضوع، معتقد بود که رسیدگی به اوضاع مدرسه اتحاد و تأمین نیازهای آن، "مهم تر و شاید ضروری تر از مصارفی باشد که در داخله مملکت می‌شود..." (۴۳)

از این رو، وی برای رفع مشکلات مالی مدرسه، درصدد برآمد که "ممر عایدات مهم و ثابت تازه پیدا نماید." وی به دولت پیشنهاد کرد که تعرفه نفت اضافه شود و از هر عدل مال التجاره که به بنادر دریای خزر صادر و وارد می‌شود،



محمد ساعدالوزاره

مدرسه همچنان در اختیار حکومت آذربایجان بوده است. اما با این وجود، تلاش وسیعی از سوی هیئت فوق العاده ایران در قفقاز و کنسول ایران در بادکوبه جهت حاکمیت مجدد بر مدرسه اتحاد صورت گرفت. مدارک باقیمانده، نشان می دهد که نه تنها دولت آذربایجان اداره مدرسه را به ایرانیان واگذار نکرد، بلکه با تسلط دولت بلشویکی، این مسئله به محل مناقشه دو دولت ایران و شوروی تبدیل شد.

پس از بازگشایی مدارس بادکوبه در اواخر اکتبر ۱۹۲۰ و تخلیه مدرسه اتحاد به وسیله نیروهای انگلیس و دولت آذربایجان، مدیریت مدرسه اتحاد به دست ایرانیان افتاد. اما با از بین رفتن عایدات تذکره، به خاطر شرایط حاکم بر منطقه، مدرسه اتحاد با کمبود شدید مالی روبرو شد. از این رو، کاربه‌دستان مدرسه مذکور، از پرداخت حقوق معلمان خود ناتوان بودند. به منظور خروج از این بحران و تداوم تحصیل دانش آموزان ایرانی در آن مدرسه، ساعدالوزاره، معلمان

مبلغ پنج شاهی به عنوان کمک هزینه به مدرسه اتحاد ایرانیان بادکوبه و سایر مدارس ایرانی در منطقه قفقاز اختصاص یابد. به همین خاطر، وی در جلسه ای با حضور تجار، این مسئله را تفهیم کرد و سپس در ملاقاتی با ترجمان السلطان نماینده مالیه و گمرک در بادکوبه عایدات اضافه تعرفه گمرکی مذکور را تخمین زد. در نهایت وی از رئیس الوزرا خواست، مبلغ پنج شاهی بر تعرفه گمرکی جهت مصارف مذکور اضافه نماید. (۴۴)

هیئت وزرا نیز در سال ۱۳۳۸ ق. موافقت کرد که مبلغ بیست و شش هزار تومان در سال به مدرسه اتحاد اختصاص یابد. همچنین مقرر گردید، مبلغ شش هزار تومان نیز غیر از مبلغ مذکور تحت عنوان اعانه به آن مدرسه واگذار شود. سید ضیاءالدین، بر ارسال سریع این مبلغ تأکید بسیار داشت. (۴۵)

همزمان با تلاش مستمر سید ضیاءالدین و هیئت همراه وی در قفقاز به منظور تسلط مجدد ایرانیها بر مدرسه اتحاد و...، ساعدالوزاره کنسول ایران در بادکوبه نیز به اقدامات وسیعی در راستای گسترش زبان فارسی در بادکوبه و اطراف آن دست زد. او تبلیغات گسترده عثمانیها را در آذربایجان - که در راستای گسترش زبان ترکی در آن منطقه بود - و نیز اعزام معلم توسط آنها را به آن کشور با نگرانی دنبال می کرد. وی برای مقابله با اقدامات عثمانیها و جلوگیری از نفوذ آنان، در میان اتباع ایرانی به تشکیل انجمن معارف و تأسیس کلاسهای شبانه اکابر دست زد. به همین خاطر، شعبه ای مخصوص از کلاس اکابر را به شاهشونهای مقیم بادکوبه، به منظور حفظ و گسترش زبان فارسی در میان آنان اختصاص داد. او با این اقدام خویش، درصدد بود که ایرانیان مقیم آن سامان را از رفتن به کلوبهای حکومت آذربایجان منصرف نماید. همچنین ساعدالوزاره به منظور استحکام مدرسه اتحاد، مبلغی در حدود یک میلیون و سیصد هزار منات اعانه از اتباع ایرانی در بادکوبه جمع و عمارتی برای تدریس دانش آموزان ایرانی خریداری کرد. وی از اولیای دولت ایران نیز خواست، بخشی از هزینه خرید عمارت مذکور را تقبل کنند. (۴۶)

شواهد، حاکی است که در این زمان عمارت پیشین

مدرسه را به جلسه ای اضطراری دعوت کرد. سرانجام شرکت کنندگان در آن جلسه به این نتیجه رسیدند که به علت از میان رفتن منابع تأمین کننده مخارج مدرسه و ناتوانی کاربه‌دستان آن در رفع مشکلات فراوان مدرسه، مدرسه مذکور تحت نظر اداره معارف آذربایجان قرار گیرد و تمام مخارج آن را نیز کمیساریای معارف آن کشور تأمین کند. (۴۷)

همزمان با این اقدامات، کنسول ایران در بادکوبه و تئو چند از معارف دوستان ایرانی مقیم بادکوبه، با تلاش فراوان و انجام مکاتباتی چند با وزارت امور خارجه، از مقامات آن وزارتخانه خواستند که دولت ایران و بخصوص وزارت معارف، چند نفر معلم از تهران به بادکوبه اعزام و نیز بودجه کافی برای اداره مدرسه اتحاد ارسال نمایند تا بدین طریق بتوان مشکل مالی مدرسه را حل کرد و از نظارت اداره معارف آذربایجان بر این مؤسسه فرهنگی ایرانیان ممانعت به عمل آورد (۴۸). اما بررسی اسناد و مکاتبات پس از سالهای مذکور، نشانگر آن است که کارگزاران دولت ایران از اختصاص بودجه ای برای این منظور و اعزام معلمان درخواستی، خودداری ورزیدند. به همین روی، مدرسه اتحاد به خاطر اهمال کارگزاران دولت ایران، تحت نظارت مستقیم دولت آذربایجان درآمد.

با سقوط حکومت آذربایجان و تسلط دولت بلشویکی، نظارت بر مدرسه اتحاد همچنان در دست عمال حکومت محلی باقی ماند. در سال تحصیلی ۲-۱۳۰۳ش. قریب ۴۰۰ دانش آموز در آن مدرسه مشغول به تحصیل بودند. مدیر و چهار نفر از معلمان از اتباع ایرانی بودند که غیر از دریافت حقوق از اداره معارف محلی، ماهیانه مبلغ ۹۰ تومان نیز از محل وجوه خیریه ایرانیان بادکوبه دریافت می کردند. نمایندگی سیاسی دولت ایران در آذربایجان، در سال ۱۳۰۲ش. طی تلگرافی به وزارت امور خارجه، با اشاره به نفوذ فراوان عثمانیها در منطقه آذربایجان، یادآور شد که صدی بیست و پنج معلمان بادکوبه [از اتباع] عثمانی اند که در ترویج زبان و معارف عثمانی زحمات زیادی متحمل می شوند. وی برای حفظ موقعیت ایرانیان و گسترش زبان فارسی در آذربایجان،

خواستار اعزام دو نفر معلم با حقوق دولت ایران از تهران به بادکوبه گردید. (۴۹)

در پی این درخواست، وزارت معارف میرزا مایل تویسرکانی را به ریاست مدرسه اتحاد منصوب کرد. همچنین ماهیانه حقوقی برای وی تعیین و وی را به بادکوبه اعزام کرد. به دنبال آن، وزارت معارف به نمایندگی سیاسی ایران در آذربایجان توصیه کرد "... که در کارهای ایشان راجع به مدرسه مذکور ... مساعدت و همراهی [لازم] را به عمل" بیاورد (۵۰). مقامات وزارت معارف، معتقد بودند که مایل تویسرکانی تغییرات محسوسی در اوضاع مدرسه اتحاد ایجاد می کند که در نتیجه آن ترویج زبان فارسی در آذربایجان پیشرفت خواهد کرد. همچنین مقامات آن وزارتخانه، تأکید کردند که در سنه آتی - اگر ممکن باشد - مساعدتهای کثیری نسبت به امور (۵۱) مدرسه اتحاد به عمل خواهد آمد.

بر خلاف انتظار کارگزاران دولت ایران، حکومت محلی آذربایجان، مایل تویسرکانی را به عنوان مدیر مدرسه اتحاد نپذیرفت. زیرا آنها معتقد بودند که مدرسه مذکور متعلق به اداره معارف محلی است و وزارت معارف ایران حق مداخله در امور آن را ندارد. آنان خاطر نشان ساختند که در صورت نیاز به معلم و مدیر فارسی زبان، خود اقدام به استخدام شخص مورد نظرشان می نمایند.

مایل تویسرکانی در گزارشی به وزارت معارف ایران درباب وضعیت مدرسه اتحاد - که در آن زمان در کنترل حکومت محلی بود - آورده است که تدریس کلیه دروس مدرسه مذکور، طبق برنامه اداره معارف محلی به زبان ترکی صورت می گیرد. به گفته وی: "از مدرسه [اتحاد] ایرانیان به غیر از نامی بر آن باقی نیست ... و حتی اکثر معلمان آن [از تکلم] زبان فارسی، عاجزند" (۵۲). همچنین معلمانی که از جانب دولت ایران اعزام می شدند، از تکلم زبان فارسی خودداری می کردند. اما نکته ای که در گزارش مایل تویسرکانی بر آن تأکید و توجه فراوان شده است، مسئله ترویج زبان ترکی در میان اتباع ایرانی و تبلیغات شدید علیه زبان فارسی در منطقه آذربایجان بود. چنانکه وی عنوان نمود



مشیر الدوله

به دست گیرد و در ترویج زبان فارسی در میان اتباع ایرانی منطقه، اهتمام ویژه داشته باشد. همچنین آنان به ساعدالوزاره اطمینان دادند که دولت ایران از اقدامات وی در زمینه کنترل بر مدرسه اتحاد بشدت پشتیبانی می کند (۵۷). کنسول ایران نیز در پاسخ به اتهامات مقامات وزارت خارجه، کارگزاران آن وزارتخانه و وزارت معارف را به عدم استعانت مالی به موقع و نیز عدم توجه به اعزام معلمان مورد نیاز مدرسه اتحاد متهم ساخت و از اینکه کارگزاران مذکور اقدامی عملی و بنیادین در این باب انجام ندادند، اظهار تأسف کرد. (۵۸)

کنسول ایران در بادکوبه، در روزهای پایانی سال ۱۳۰۲ش. در مراسله ای به نمایندگی کمیساریای خارجه شوروی در بادکوبه، با تشریح اوضاع مدرسه اتحاد در ایام پیش از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و پس از آن، خواستار واگذاری

که "در آذربایجان فعلاً برای ترویج زبان ترکی، او نیورسیته هایی تهیه شده و هیئت مبلغین مخصوص به تمام نقاط اعزام نموده، پروپاگاندا [= تبلیغات] شدید بر علیه زبان فارسی می شوند ...". (۵۳)

به نظر وی، دانش آموزان ایرانی در مدرسه اتحاد تحت کنترل عمال حکومت محلی "... ابدأ زبان مادری خود را نمی دانند و از تاریخ و جغرافیای مملکت خود بالکلیه بی خبرند و اگر کسی هم بخواهد برخلاف رویه حکومت رفتار کند، مجازات ... (۵۴) خواهد شد. مایل تویسرکانی، تنها راه نجات مدرسه اتحاد را از زیر سیطره حکومت محلی آذربایجان و جلوگیری از محو شدن ماهیت اصلی این مؤسسه فرهنگی ایرانیان، مساعدت دولت ایران در این زمینه عنوان کرد. وی معتقد بود که می باید وزارت معارف ماهیانه مبلغ ۲۰۰ تومان اعانه به مدرسه مذکور تخصیص دهد که به همراه ۱۰۰ تومان عایداتی که ایرانیان مقیم آن سامان می پرداختند، بتواند احتیاجات مالی مدرسه را تا حدودی رفع کنند و مدیریت مدرسه را به دست بگیرند. (۵۵)

وزارت امور خارجه در مذاکراتی با مقامات سفارت شوروی در تهران، موافقت آنان را در واگذاری اداره امور مدرسه اتحاد به کنسولگری ایران در آن شهر جلب نمود. همچنین وزارت امور خارجه در سال ۱۳۰۲ش. طی دستوری محمد ساعدالوزاره کنسول ایران در بادکوبه را موظف نمود، به طور جدی با مقامات حکومت محلی در خصوص توقف مداخله آنان در امور مدرسه اتحاد مذاکره نماید (۵۶). اما چون حکومت هزینه مدرسه اتحاد را تأمین می کرد، پس اداره امور آن مدرسه را نیز عهده دار بود و کنسولگری ایران را از مداخله برحذر می داشت.

نگاهی به رشته مکاتبات میان وزارت امور خارجه و کنسولگری ایران در بادکوبه در اواخر سال ۱۳۰۲ش.، نشان می دهد که مقامات آن وزارتخانه، کنسول را به ناتوانی در ممانعت از مداخله اولیای حکومت محلی آذربایجان در امور مدرسه و نیز ناتوانی در اداره مدرسه مذکور متهم ساخته اند. آنان از ساعدالوزاره خواستند که کنترل اداره مدرسه اتحاد را

اداره مدرسه و لوازم آن به کنسولگری ایران شد (۵۹). ساعدالوزاره در گزارشی به تهران، از وزارت امور خارجه خواست که با سفارت روسیه در تهران مذاکره کرده، از آنان بخواهد "... در موقع تحویل مدرسه اتحاد به کنسولگری ایران [مساعدت لازمه از طریق کمیساریای خارجه به عمل آید ...] (۶۰). اما شواهد نشان می دهد که تلاش مکرر ساعدالوزاره و وزارت امور خارجه ایران در این زمینه نتیجه ای در پی نداشته و مدرسه اتحاد در سال تحصیلی ۲-۱۳۰۳ش. همچنان تحت نظارت اداره معارف آذربایجان اداره می شده است.

اکثر دانش آموزان مدرسه اتحاد در سال تحصیلی ۲-۱۳۰۳ش. را اتباع ایرانی مقیم بادکوبه تشکیل می دادند. تعداد دانش آموزان مدرسه مذکور در آن سال تحصیلی ۳۳۲ نفر بودند که از آن تعداد ۲۶۸ نفر ایرانی و ۶۴ نفر نیز اهل قفقاز به شمار می رفتند. تعداد ۱۴ نفر معلم و یک مدیر و یک نفر دفتردار و سه نفر مستخدم در مدرسه اتحاد به خدمت مشغول بودند. از این تعداد میرزا اژدر علی زاده، مدیر مدرسه و دو نفر از معلمان به نامهای میرزا خلیل و میرزا تقی جعفرزاده، ایرانی و بقیه از اتباع منطقه قفقاز بودند. در طول هفته نیز در حدود ۴۴ ساعت درس زبان فارسی در مدرسه مذکور تدریس می شد. (۶۱)

وزارت امور خارجه با شروع سال تحصیلی ۳-۱۳۰۴ش. تلاش گسترده ای به منظور پایان دادن به سلطه مقامات محلی آذربایجان بر اداره مدرسه اتحاد آغاز کرد. مقامات آن وزارتخانه، به طور مستمر از کنسول ایران در بادکوبه خواستند که مسئله را پیگیری کرده، گزارش عملکرد خویش را در این زمینه هرچه سریع تر به آن وزارتخانه ارسال دارد (۶۲). در همین زمان عواملی چون تخصیص نیافتن بودجه ای معین از سوی دولت ایران به مدرسه اتحاد و نیز کمبود معلم و... از جمله بهانه هایی بود که حکومت محلی با تمسک به آنها، از واگذاری مدرسه به کنسولگری ایران خودداری می ورزید. ورود میرزا مایل توپسرکانی به بادکوبه و پافشاری وی در اجرای مأموریت خویش، به عنوان مدیر مدرسه و مدرس

مدرسه اتحاد - که اکثر کارکنان و معلمان آن از افراد محلی بودند - جنجال عظیمی ایجاد کرد. در پی آن، کمیساریای معارف آذربایجان "رسماً به مدرسه اتحاد" آمده و از بودن اسم ایران و تدریس زبان فارسی و تسمیه مدرسه به اتحاد جداً قدغن کرد و می خواستند بکلی آن را در تحت نظارت مستقیم خود درآورند. (۶۳)

ژنرال کنسول ایران در بادکوبه نیز در مقابل این اقدام در مراسله ای به نماینده کمیساریای خارجه اتحاد جماهیر شوروی در بادکوبه اعتراض شدید خویش را به این رویه کمیساریای معارف آذربایجان اعلام داشت و خواستار اخراج معلمان محلی مدرسه اتحاد و واگذاری اداره آن به کنسولگری ایران شد. همچنین وی از آن مقام اتحاد جماهیر شوروی خواست، با تدریس زبان فارسی در مدرسه اتحاد توسط مایل توپسرکانی ممانعت به عمل نیاید. (۶۴)

لازاریف نماینده کمیساریای امور خارجه شوروی در بادکوبه، در پاسخ به این خواسته های ژنرال کنسول ایران خاطر نشان ساخت که خروج معلمان محلی از مدرسه اتحاد در ایامی که مدتی از شروع سال تحصیلی سپری شده است، بر روند تحصیل دانش آموزان آن مدرسه تأثیری منفی و غیرقابل جبران برجای می گذارد. به همین خاطر، وی از ژنرال کنسول ایران خواست از پیگیری درخواست مذکور منصرف گردد. لازاریف در باب تصمیم هیئت مشاوره کمیساریای اتحاد و اخراج معلمان ایرانی از آن مدرسه، بیان داشت که اجرای چنین تصمیمی به تصویب کمیساریای معارف آذربایجان نیاز دارد. به گفته وی، این مقام اداره معارف آذربایجان نیز از تصدیق این تصمیمات خودداری کرده است. نماینده کمیساریای خارجه اطلاع داد که کمیساریای معارف آذربایجان از تدریس مایل توپسرکانی در مدرسه اتحاد ممانعت به عمل نخواهد آورد. (۶۵)

گزارش میرزا یدالله مایل توپسرکانی، معلم اعزامی از تهران به وزارت معارف، نشان می دهد که رایزنی مقامات کنسولگری ایران با نماینده کمیساریای خارجه شوروی در بادکوبه، در بهبود تدریس زبان فارسی در مدرسه اتحاد تأثیری

مثبت داشته است. وی اظهار داشت "تدریس زبان فارسی فعلاً در تمام کلاسها هر روزه متداول است" و به طور مطلوبی پیشرفت دارد" (۶۶). اما چون اکثر معلمان مدرسه از اتباع حکومت محلی آذربایجان هستند، در کم‌رنگ کردن تدریس زبان فارسی و توسعه زبان ترکی در مدرسه اتحاد، تلاش زیادی صورت می‌گیرد. (۶۷)

تعداد شاگردهای مدرسه اتحاد در سال تحصیلی ۱۳۰۴-۳۵، متجاوز از ۴۰۰ نفر بودند که از این تعداد در حدود ۳۵ نفر از آنان از اهالی بادکوبه به شمار می‌رفتند. مدرسه اتحاد در سال تحصیلی مذکور دوازده کلاس داشت که یکی از آنها کلاس متوسطه بود. تعداد ۱۸ نفر معلم به صورت دائم و نیز پاره‌وقت مسئولیت تدریس دانش‌آموزان مدرسه مذکور را برعهده داشتند. مخارج مدرسه در این سال تحصیلی بالغ بر ۶۰۰ منات (نزدیک ۳۰۰ تومان) بود.

مدرسه اتحاد، زمانی که تحت نظارت اداره معارف محلی آذربایجان بود، آموزش و تعلیم دختران، همپای پسران انجام می‌گرفت. از این زمان در نوبتی که دختران آموزش می‌دیدند، مدرسه اتحاد به نام مدرسه اتحادیه معروف بود.

پس از پیروزی بلشویکها در روسیه و تصرف منطقه قفقاز توسط آنها، آموزش دانش‌آموزان پسر و دختر به صورت مختلط صورت می‌گرفت. زمره‌های اجرای این برنامه در مدرسه اتحاد، نگرانی تعدادی از اتباع ایرانی بخصوص والدین دانش‌آموزان دختر و مدیر مدرسه اتحادیه را در ماههای اولیه سال تحصیلی ۳-۱۳۰۴ش. برانگیخت (۶۸). اما شواهد حاکی است که این برنامه در سال تحصیلی مذکور از سوی حکومت محلی در مدرسه اتحاد عملی نگردید.

تعداد شاگردهای مدرسه دخترانه اتحادیه - که از صبح تا ظهر در مدرسه اتحاد تحصیل می‌کردند - در سال تحصیلی ۳-۱۳۰۴ش. در حدود ۱۵۰ نفر بود که اکثر آنان از اتباع بادکوبه به شمار می‌رفتند. تعداد هشت نفر معلم نیز تدریس دانش‌آموزان مدرسه اتحادیه را به عهده داشتند. (۶۹) پس از تصرف منطقه قفقاز توسط دولت شوروی، مؤسسات فرهنگی خارجیا در آن منطقه تحت مستقیم

مقامات محلی درآمد. مشکل مهمی که مدارس ایرانی و از جمله مدرسه اتحاد با آن روبرو شدند، آن بود که اداره معارف محلی، آموزش در آن مدارس را طبق اسلوب پیشین منسوخ شده اعلان کرد و خواستار هماهنگی برنامه این مدارس با مدارس محلی شد. اداره معارف محلی آذربایجان در پی اجرای این برنامه در آذر ماه ۱۳۰۳، تعدادی بازرسی جهت بازدید از مدرسه اتحاد و اتحادیه و ایجاد هماهنگی برنامه آنها با سایر مدارس منطقه گسیل کرد.

این بازرسان در بازدید از مدرسه اتحاد، کتابخانه مدرسه را به خاطر وجود کتب فارسی - که در آنها کلماتی چون "بسم الله یا اسم خدا... یا اسمی از دیانت و انبیا و اولیا" استفاده شده، یا آنکه از "سلاطین و امرای جور" تعریف کرده بودند - تعطیل کردند (۷۰). البته کارگزاران اداره معارف محلی به این امر بسنده نکردند و مسئله مقابله با اهداف و برنامه‌های مدرسه اتحاد را پیگیری کردند. آنان از برگزاری مجلس جشن پایان سال تحصیلی ۳-۱۳۰۴ش. دانش‌آموزان مدرسه اتحاد به خاطر برافراشتن بیرق ایران بر فراز مدرسه و نیز نصب عکس رئیس الوزرای ایران بر سر در مدرسه مذکور توسط مجریان برگزاری جشن، ممانعت به عمل آوردند.

این اقدام کار به دستان اداره معارف محلی، خشم مقامات وزارت امور خارجه ایران را برانگیخت. مقامات آن وزارتخانه در یادداشتی شدیدالحن به وزیر مختار شوروی در تهران، به وی ابلاغ کردند که "امر فوری در انعقاد جشن مزبور، صادر و رفع این حرکت توهین آمیز را بخواهد [و] مرتکبین را در تحت مسئولیت قرار دهد..." در غیر این صورت، دولت ایران نیز برای مدارس شوروی در خاک ایران محدودیت‌های خاصی اعمال خواهد کرد. (۷۱)

دولت شوروی، در پاسخ خاطر نشان ساخت که مدرسه اتحاد زیر نظر کمیساریای معارف حکومت شوروی است و مدیر مدرسه نیز به دریافت مجوز رسمی از اداره معارف محلی اقدام نکرده است (۷۲). در نهایت پس از مدتی گفتگو و کشمکش در امر برپایی جشن پایان سال تحصیلی، میان مقامات ایران و شوروی، کارگزاران دولت بلشویکی مجوز

اجرای جشن را صادر کردند. (۷۳)

نتیجه

مؤسسان مدرسه اتحاد ایرانیان در بادکوبه، به دو دسته تقسیم می‌گردند: یکی مأموران ترقیخواه ایرانی در خاک روسیه و دیگر اتباع متمول ایرانی مقیم بادکوبه از جمله تجار، بازرگانان و کسبه. گروه اول، تحت تأثیر تغییرات درون ایران در امر مدرسه‌سازی و نیز تحولاتی که عرصه فرهنگی در ممالک جهان و بخصوص ممالک همجوار ایران همچون دول هندوستان، عثمانی و روسیه رخ داده بود، قرار گرفتند. البته نگرانی از اقدامات عثمانیها در امر گسترش فرهنگ و زبان خویش در منطقه قفقاز و بخصوص در جذب تعدادی از ایرانیان ترک زبان مقیم بادکوبه، تأثیر قابل توجهی بر این گروه داشت و این مسئله، یکی از دلایل تأسیس مدرسه اتحاد به شمار می‌رود.

گروه دوم نیز با ارتباطاتی که با مناطق مختلف جهان داشتند و پیشرفتهای دول بزرگ و توانمند را از نزدیک مشاهده کرده، اهمیت تأثیر مؤسسه‌ای فرهنگی و گسترش آموزش به شیوه نوین را درک کرده بودند. همچنین اقدامات مسلمانان منطقه قفقاز و بخصوص عملکرد عثمانیها را در آن منطقه شاهد بودند.

گسترش روابط اقتصادی و سیاسی ایران با روسیه در واپسین دهه‌های حاکمیت تزارها، در افزایش و بهبود توان اقتصادی و مالی ایرانیان در منطقه قفقاز و به تبع آن در بادکوبه باعث گردید تا آنان مخارج مدرسه اتحاد را تأمین نمایند. با شروع آشوبها و انقلابات در منطقه قفقاز و تنزل توان مالی ایرانیان، مدرسه اتحاد با مشکلات مالی عدیده‌ای روبرو شد. در عصر حاکمیت جمهوری آذربایجان مدرسه اتحاد ابتدا به عنوان مرکز قوای انگلیس به اشغال این نیروها درآمد و سپس دولت آذربایجان از واگذاری عمارت مدرسه به ایرانیان خودداری می‌کرد و این مؤسسه فرهنگی را تحت نظارت خود درآورد.

با تسلط دولت بشلویکی بر آذربایجان، همچنان اداره

مدرسه تحت نظارت حکومت محلی بود. دولت بشلویکی، فعالیت مدارس چون اتحاد را در خاک خود تلاش در راستای مقابله با ایده‌های کمونیستی و نیز همگامی با منافع امپریالیسم تلقی می‌کرد. نحوه تدریس و نیز برنامه درسی مدرسه اتحاد، همگامی و هماهنگی چندانی با مدارس شوروی نداشت و بخش زیادی از دروس به امور دینی و ملی ایرانیان اختصاص یافته بود؛ چیزی که اهداف دولت شوروی با آن منافات داشت.

پی‌نوشتها :

- ۱- اسناد وزارت امور خارجه، قونسولگری ایران در بادکوبه، ۱۳۲۲ق.. کارتن ۷، پرونده ۱، نمره ۲۶، ۲۶ صفر ۱۳۲۴.
- ۲- چهره نما، سال دوم، شماره ۱۳، غرة صفر ۱۳۲۴، صص ۱۰-۱۱.
- ۳- شیشه سال اول، شماره ۱، شنبه ۲۹ شوال ۱۳۲۹، ص ۲.
- ۴- اسناد وزارت امور خارجه، عریضه جمعی از ایرانیان بادکوبه به مشیرالملک سفیر ایران در پترزبورگ، سال ۱۳۲۴ق.. کارتن ۷، پرونده ۱، بدون نمره، ۲۵ ربیع الاول ۱۳۲۴.
- ۵- همانجا.
- ۶- حبل المتین، سال ۳۷، شماره ۲۶، جمعه یکم ربیع الاول ۱۳۲۴، ص ۱.
- ۷- اسناد وزارت امور خارجه، عریضه جمعی از ایرانیان بادکوبه به مشیرالملک.
- ۸- همانجا، قونسولگری ایران در بادکوبه به وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۴ق.. کارتن ۷، پرونده ۱، نمره ۳۱۰، ۷ ذی‌قعدة ۱۳۲۴.
- ۹- حبل المتین، سال ۴۴، شماره ۱، جمادی الثاني ۱۳۲۴، ص ۱۸.
- ۱۰- اسناد دانشگاه تهران، نظامنامه مدرسه اتحادیه ایرانیان در بادکوبه.
- ۱۱- اسناد وزارت امور خارجه، قونسولگری ایران در بادکوبه، سال ۱۳۲۴ق.. کارتن ۷، پرونده ۱، نمره ۲۶، ۲۶ صفر ۱۳۲۴.
- ۱۲- حبل المتین، پیشین.
- ۱۳- همانجا، قونسولگری ایران در بادکوبه، سال ۱۳۲۴ق.. کارتن ۷، پرونده ۱، نمره ۲۲۰، ۲۲ شعبان ۱۳۲۴.
- ۱۴- اسناد دانشگاه تهران، نظامنامه مدرسه اتحاد ایرانیان در بادکوبه.
- ۱۵- همانجا.
- ۱۶- اسناد وزارت امور خارجه، قونسولگری ایران در بادکوبه، به وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۳ق.. کارتن ۷، پرونده ۷، نمره ۵۷، ۲ ذیحجه ۱۳۲۳.
- ۱۷- همانجا، وزارت امور خارجه به قونسولگری ایران در بادکوبه، سال ۱۳۲۵ق.. کارتن ۷، پرونده ۶، نمره ۸۸۱۶، ۱۹ شوال ۱۳۲۵.
- ۱۸- همانجا، عریضه تجار و اجزای انجمن خیریه بادکوبه به وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۵ق.. کارتن ۷، پرونده ۶، نمره اول، ۴ شوال ۱۳۲۵.
- ۱۹- همانجا، سواد کاغذی انجمن و اعضای انجمن خیریه بادکوبه به کمیسیون خارجه مجلس، سال ۱۳۲۶ق.. کارتن ۱۲، پرونده ۸، نمره ۱۰۵۶، ۲۴ محرم ۱۳۲۶.
- ۲۰- همانجا، تلگراف مجلس شورای ملی به وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۶ق.. کارتن ۱۲، پرونده ۸، نمره ۶۳۴۳، مورخ ۱۵ صفر ۱۳۲۶.
- ۲۱- همانجا، برای اطلاع بیش تر بگردید به نامه فرقه اجتماعیون عامیون ایران (در قفقاز) به میرزا علی محمدخان، سال ۱۳۲۵ق.. کارتن ۷، پرونده ۶، ۱۹ ربیع الثاني ۱۳۲۵.
- ۲۲- همانجا، از مرکز مقدس مجاهدین ابه مشیرالدوله، سال ۱۳۲۶ق.. کارتن ۱۲، پرونده ۸، شماره ۲۲۹، ۷ ذیحجه ۱۳۲۵.
- ۲۳- همانجا، قونسولگری ایران در بادکوبه به وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۶ق.. کارتن ۱۲، پرونده ۸، نمره ۹۰۲۶، ۹ ربیع المولود ۱۳۲۶.
- ۲۴- همانجا، سواد عرضحال مساعدالوزاره، سال ۱۳۲۸ق.. کارتن ۱۲، پرونده ۱۲، نمره ۵۹۵۰، ۱۸ جمادی الثاني ۱۳۲۸.
- ۲۵- همانجا، قونسولگری ایران در بادکوبه به وزارت امور خارجه، کارتن ۷، پرونده ۶، بدون نمره، بدون تاریخ، سال ۱۳۲۵ق.

۲۶- همانجا، به ژنرال قونسل ایران در قلیس، سال ۱۳۲۸ق.، کارتن ۱۲، پرونده ۱۸، بدون
نمره، ۵ جمادی الاول ۱۳۲۸.

۲۷- برای اطلاع پیش تر بنگرید به: ایران نو، سال دوم، شماره ۶۱ غره محرم الحرام ۱۳۲۹،
ص ۴؛ و نیز ایران نو، سال دوم، شماره ۹۷، ۱۶ دیحجه الحرام ۱۳۲۸، ص ۴؛ و نیز روزنامه
شرق، سال اول، شماره ۱۰۶، ۲۱ شعبان ۱۳۲۸، ص ۳.

۲۸- اسناد وزارت امور خارجه، هیئت شوراییه مدرسه اتحاد ایرانیان بادکوبه به وثوق
الدوله وزیر امور خارجه، سال ۱۳۲۵ق.، کارتن ۱۳، پرونده ۵۵ بدون نمره، ۱۰ رجب
۱۳۳۵.

۲۹- برای اطلاع پیش تر، بنگرید به: همانجا، سواد صورت دو مجلسی که در قونسلگری
با حضور آقایان وکیل الدوله و ساعدالوزاره و منتخبان هیئت شوراییه مدرسه اتحاد
ایرانیان منعقد و تشکیل گردیده، سال ۱۳۳۵ق.، کارتن ۱۳، پرونده ۵۵، ۱۹ رجب
۱۳۳۵.

۳۰- همانجا، مدرسه اتحاد ایرانیان به وزارت معارف، سال ۱۳۳۶ق.، کارتن ۲۸، پرونده ۴،
نمره ۱۸۸، غره محرم ۱۳۳۵.

۳۱- همانجا، درخواست ارسال کتب از تهران، سال ۱۳۳۶ق.، نمره ۱۸۹، بدون تاریخ.

۳۲- همانجا، وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه به وزارت امور خارجه، سال
۱۳۳۶ق.، کارتن ۲۸، پرونده ۱۴، نمره ۳۶۶۳، ۱۴ دلو ۱۳۳۶.

۳۳- همانجا، قونسلگری ایران در بادکوبه به وزارت امور خارجه، سال ۱۳۳۷ق.، کارتن
۲۸، پرونده ۳۴، نمره ۶۶۵، ۲۳ شوال ۱۳۳۷، و نیز همانجا، قونسلگری ایران در بادکوبه
به وزارت امور خارجه، سال ۱۳۳۷ق.، کارتن ۲۸، پرونده ۳۴، نمره ۶۱۲، ۱۲ شوال
۱۳۳۷.

۳۴- همانجا، وزارت امور خارجه به وزارت معارف، سال ۱۳۳۷ق.، کارتن ۲۸، پرونده
۳۴، نمره ۲۲۸۹، ۲۳۳۲، بدون تاریخ.

۳۵- همانجا، قونسلگری ایران در بادکوبه به وزارت امور خارجه، سال ۱۳۳۷ق.، کارتن
۲۸، پرونده ۳۴، نمره ۶۷۳، ۱۳ شوال ۱۳۳۷.

۳۶- همانجا، وزارت امور خارجه به قونسلگری ایران در بادکوبه، سال ۱۳۳۷ق.، کارتن
۲۸، پرونده ۳۴، نمره ۸۸۷، ۲۲۸۲، ۷ ذیقعد ۱۳۳۷.

۳۷- همانجا، قونسلگری ایران در بادکوبه به وزارت امور خارجه، سال ۱۳۳۷ق.، کارتن
۲۸، پرونده ۳۴، نمره ۶۷۶، ۲۸ شوال ۱۳۳۷.

۳۸- همانجا، وزارت امور خارجه به بادکوبه، سال ۱۳۳۷ق.، کارتن ۲۸، پرونده ۳۴، نمره
۲۳۸۹، ۱۷ ذیقعد ۱۳۳۷.

۳۹- راپورت مذاکرات انصرت الدوله آبا عادل خان زیاد خانوف، ۱۶ و ۱۷ اوت ۱۹۱۹،
مجموعه مکاتبات، اسناد، خاطرات و... فیروز میرزا فیروز، منصوره اتحادیه و سعادت
پیرا، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸، صص ۱۰۷-۱۰۸.

۴۰- اسناد وزارت امور خارجه، ریاست وزرا به سید ضیاءالدین رئیس هیئت اعزامیه ایران
در قفقاز، کارتن ۱۵، پرونده ۱۵، نمره ۶۳۵۵، بدون تاریخ، سال ۱۳۳۸ق.

۴۱- تلگراف سید ضیاءالدین طباطبائی به ریاست وزرا، نمره ۲۷، تاریخ ۲۸ تویس ۱۲۹۸،
هیئت فوق العاده قفقازیه، به کوشش رضا آذری شهر ضایی، چاپ اول، تهران، مرکز
چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹، صص ۹۷-۹۸.

۴۲- همانجا، ص ۹۸.

۴۳- همانجا، ص ۱۶.

۴۴- همانجا، صص ۱۶۰-۱۶۱.

۴۵- همانجا، ص ۱۶۲.

۴۶- همانجا.

۴۷- همانجا، تلگراف قونسلگری ایران در بادکوبه به وزارت امور خارجه، سال ۱۳۴۰ق.،
کارتن ۳۲، پرونده ۲۷، نمره ۸۹۵، ۲۴ دلو ۱۳۰۰.

۴۸- همانجا، کنسولگری ایران در بادکوبه به وزارت امور خارجه، سال ۱۳۴۰ق.، کارتن
۲۲، پرونده ۲۷، نمره ۸۹۶، ۲۴ دلو ۱۳۰۰.

۴۹- همانجا، نمایندگی سیاسی دولت ایران در آذربایجان قفقاز به وزارت امور خارجه،
سال ۱۳۰۲ق.، کارتن ۳۳، پرونده ۴۳، نمره ۶۶۰، ۲۴ میزان ۱۳۰۲.

۵۰- همانجا، وزارت امور خارجه به نمایندگی سیاسی ایران در آذربایجان قفقاز، سال
۱۳۰۲ق.، کارتن ۳۳، پرونده ۴۳، نمره ۵۰۲۴، ۲۲ میزان ۱۳۰۲.

۵۱- همانجا، وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه به وزارت امور خارجه، سال
۱۳۰۲ق.، کارتن ۳۳، پرونده ۴۳، نمره ۳۵۵۳، ۲۷ عقرب ۱۳۰۲.

۵۲- همانجا، سواد گزارش مایل تویسرکانی به وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۲ق.، کارتن
۳۳، پرونده ۴۳، نمره ۱، ۱۷ ربیع الثانی ۱۳۰۲.

۵۳- همانجا.

۵۴- همانجا.

۵۵- همانجا.

۵۶- همانجا، وزارت امور خارجه ایران به قونسلگری ایران در بادکوبه، سال ۱۳۰۲ق.،
کارتن ۳۳، پرونده ۴۳، نمره ۱۷۶۹، ۱۹، به تاریخ اجدی ۱۳۰۲.

۵۷- همانجا، وزارت امور خارجه به قونسلگری ایران در بادکوبه، سال ۱۳۰۲ق.، کارتن
۳۳، پرونده ۴۳، نمره ۲۳۸، ۰۲، ۲۷ دلو ۱۳۰۲.

۵۸- همانجا، ژنرال قونسلگری ایران در بادکوبه به وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۲ق.،
کارتن ۳۳، پرونده ۵۷، نمره ۸۹۰، ۱۴ حوت ۱۳۰۲.

۵۹- همانجا، ترجمه مراسله جنرال قونسلگری بادکوبه به نمایندگی اکیساریای خارجه
شوروی، سال ۱۳۰۳ق.، کارتن ۳۳، پرونده ۷، بدون نمره، ۲۲ حوت ۱۳۰۲.

۶۰- همانجا، تلگراف جنرال قونسلگری ایران در بادکوبه به وزارت امور خارجه، سال
۱۳۰۳ق.، کارتن ۳۳، پرونده ۵۷، نمره ۱۰۸۹، ۲۴ حوت ۱۳۰۲.

۶۱- همانجا، جنرال قونسلگری ایران در بادکوبه به وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۳ق.،
کارتن ۳۳، پرونده ۵۷، نمره ۱۰۶۵، ۲۲ حوت ۱۳۰۲.

۶۲- همانجا، وزارت امور خارجه به جنرال قونسلگری ایران در بادکوبه، سال ۱۳۰۳ق.،
کارتن ۳۳، پرونده ۵۷، نمره ۱۱۷۲۸۱، ۱۱ عقرب ۱۳۰۳، و نیز وزارت امور خارجه به
وزارت معارف، همان، سال ۱۳۰۳ق.، کارتن ۳۳، پرونده ۵۷، نمره ۱۲۶۳۴، ۱۱ عقرب
۱۳۰۳.

۶۳- همانجا، کفیل جنرال قونسلگری ایران در بادکوبه به وزارت امور خارجه، سال
۱۳۰۳ق.، کارتن ۳۳، پرونده ۵۷، نمره ۸۱۲، ۲۷ عقرب ۱۳۰۳، و نیز همانجا، سواد
مراسله مایل تویسرکانی به وزارت معارف، سال ۱۳۰۳ق.، کارتن ۳۳، پرونده ۵۷، نمره
۲۹، ۲۷ عقرب ۱۳۰۳.

۶۴- همانجا، ترجمه مشروح جنرال قونسلگری بادکوبه به نمایندگی کیساریای خارجه
اتحاد جماهیر شوروی در بادکوبه، سال ۱۳۰۳ق.، کارتن ۳۳، پرونده ۵۷، بدون نمره،
بدون تاریخ.

۶۵- همانجا.

۶۶- همانجا، سواد راپرت مایل تویسرکانی، سال ۱۳۰۳ق.، کارتن ۳۳، پرونده ۵۷، نمره
۳۶، ۲۴ برج جدی ۱۳۰۳.

۶۷- همانجا.

۶۸- همانجا، رمز از بادکوبه، سال ۱۳۰۴ق.، کارتن ۳۵، پرونده ۴۹، بدون نمره، ۱۷ خرداد
۱۳۰۴.

۶۹- همانجا، سواد راپرت مایل تویسرکانی.

۷۰- همانجا.

۷۱- همانجا، یادداشت اوزارت امور خارجه ایران [به نمایندگی مختار شوروی، سال
۱۳۰۴ق.، کارتن ۳۵، پرونده ۴۹، بدون نمره، بدون تاریخ.

۷۲- همانجا، به ژنرال قونسلگری ایران، سال ۱۳۰۴ق.، کارتن ۳۵، پرونده ۴۹، نمره ۷۹۷،
۲۱ ژوئن ۱۹۲۶.

۷۳- همانجا، تلگراف ژنرال قونسلگری ایران در بادکوبه به وزارت امور خارجه، سال
۱۳۰۴ق.، کارتن ۳۵، پرونده ۴۹، شماره سند ۸۰۰، ۱۵ تیرماه ۱۳۰۴.

۲۶- همانجا، به ژنرال قونسل ایران در قلیس، سال ۱۳۲۸ق.، کارتن ۱۲، پرونده ۱۸، بدون
نمره، ۵ جمادی الاول ۱۳۲۸.

۲۷- برای اطلاع پیش تر بنگرید به: ایران نو، سال دوم، شماره ۶۱ غره محرم الحرام ۱۳۲۹،
ص ۴؛ و نیز ایران نو، سال دوم، شماره ۹۷، ۱۶ دیحجه الحرام ۱۳۲۸، ص ۴؛ و نیز روزنامه
شرق، سال اول، شماره ۱۰۶، ۲۱ شعبان ۱۳۲۸، ص ۳.

۲۸- اسناد وزارت امور خارجه، هیئت شوراییه مدرسه اتحاد ایرانیان بادکوبه به وثوق
الدوله وزیر امور خارجه، سال ۱۳۲۵ق.، کارتن ۱۳، پرونده ۵۵ بدون نمره، ۱۰ رجب
۱۳۳۵.

۲۹- برای اطلاع پیش تر، بنگرید به: همانجا، سواد صورت دو مجلسی که در قونسلگری
با حضور آقایان وکیل الدوله و ساعدالوزاره و منتخبان هیئت شوراییه مدرسه اتحاد
ایرانیان منعقد و تشکیل گردیده، سال ۱۳۳۵ق.، کارتن ۱۳، پرونده ۵۵، ۱۹ رجب
۱۳۳۵.

۳۰- همانجا، مدرسه اتحاد ایرانیان به وزارت معارف، سال ۱۳۳۶ق.، کارتن ۲۸، پرونده ۴،
نمره ۱۸۸، غره محرم ۱۳۳۵.

۳۱- همانجا، درخواست ارسال کتب از تهران، سال ۱۳۳۶ق.، نمره ۱۸۹، بدون تاریخ.

۳۲- همانجا، وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه به وزارت امور خارجه، سال
۱۳۳۶ق.، کارتن ۲۸، پرونده ۱۴، نمره ۳۶۶۳، ۱۴ دلو ۱۳۳۶.

۳۳- همانجا، قونسلگری ایران در بادکوبه به وزارت امور خارجه، سال ۱۳۳۷ق.، کارتن
۲۸، پرونده ۳۴، نمره ۶۶۵، ۲۳ شوال ۱۳۳۷، و نیز همانجا، قونسلگری ایران در بادکوبه
به وزارت امور خارجه، سال ۱۳۳۷ق.، کارتن ۲۸، پرونده ۳۴، نمره ۶۱۲، ۱۲ شوال
۱۳۳۷.

۳۴- همانجا، وزارت امور خارجه به وزارت معارف، سال ۱۳۳۷ق.، کارتن ۲۸، پرونده
۳۴، نمره ۲۲۸۹، ۲۳۳۲، بدون تاریخ.

۳۵- همانجا، قونسلگری ایران در بادکوبه به وزارت امور خارجه، سال ۱۳۳۷ق.، کارتن
۲۸، پرونده ۳۴، نمره ۶۷۳، ۱۳ شوال ۱۳۳۷.

۳۶- همانجا، وزارت امور خارجه به قونسلگری ایران در بادکوبه، سال ۱۳۳۷ق.، کارتن
۲۸، پرونده ۳۴، نمره ۸۸۷، ۲۲۸۲، ۷ ذیقعد ۱۳۳۷.

۳۷- همانجا، قونسلگری ایران در بادکوبه به وزارت امور خارجه، سال ۱۳۳۷ق.، کارتن
۲۸، پرونده ۳۴، نمره ۶۷۶، ۲۸ شوال ۱۳۳۷.

۳۸- همانجا، وزارت امور خارجه به بادکوبه، سال ۱۳۳۷ق.، کارتن ۲۸، پرونده ۳۴، نمره
۲۳۸۹، ۱۷ ذیقعد ۱۳۳۷.

۳۹- راپورت مذاکرات انصرت الدوله آبا عادل خان زیاد خانوف، ۱۶ و ۱۷ اوت ۱۹۱۹،
مجموعه مکاتبات، اسناد، خاطرات و... فیروز میرزا فیروز، منصوره اتحادیه و سعادت
پیرا، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸، صص ۱۰۷-۱۰۸.

۴۰- اسناد وزارت امور خارجه، ریاست وزرا به سید ضیاءالدین رئیس هیئت اعزامیه ایران
در قفقاز، کارتن ۱۵، پرونده ۱۵، نمره ۶۳۵۵، بدون تاریخ، سال ۱۳۳۸ق.

۴۱- تلگراف سید ضیاءالدین طباطبائی به ریاست وزرا، نمره ۲۷، تاریخ ۲۸ تویس ۱۲۹۸،
هیئت فوق العاده قفقازیه، به کوشش رضا آذری شهر ضایی، چاپ اول، تهران، مرکز
چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹، صص ۹۷-۹۸.

۴۲- همانجا، ص ۹۸.

۴۳- همانجا، ص ۱۶.

۴۴- همانجا، صص ۱۶۰-۱۶۱.

۴۵- همانجا، ص ۱۶۲.

۴۶- همانجا.

۴۷- همانجا، تلگراف قونسلگری ایران در بادکوبه به وزارت امور خارجه، سال ۱۳۴۰ق.،
کارتن ۳۲، پرونده ۲۷، نمره ۸۹۵، ۲۴ دلو ۱۳۰۰.

۴۸- همانجا، کنسولگری ایران در بادکوبه به وزارت امور خارجه، سال ۱۳۴۰ق.، کارتن
۲۲، پرونده ۲۷، نمره ۸۹۶، ۲۴ دلو ۱۳۰۰.